

# قسم بآفتاب برهان که از افق سماء ایقان اشراق نموده

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



حضرت بهاء الله، محاضرات جلد ۱ صفح ۵۳۴

" قسم بآفتاب برهان که از افق سماء ایقان اشراق نموده این مظلوم در لیلی و ایام به تهذیب نفوس مشغول تا آنکه نور دانائی بر تاریکی نادانی غلبه نمود " یا شیخ مکرر ذکر شده و میشود چهل سنه بعنایت الهی و ارادهٔ قویه نافذه ربانی حضرت سلطان ایده الله را نصرت نمودیم نصرتی که نزد مظاهر عدل و انصاف ثابت و محقق است و لا ینکرها الا کل معتد اثم و کل مبغض مریب عجب آنکه وزراء دولت و امناء ملت الی حین بانخدمت ظاهر مبین ملتفت نشده‌اند و یا شده‌اند نظر بحکمت ذکر فرموده‌اند قبل از اربعین هر سنه ما بین عباد محادله و محاربه ظاهر و قاسم و بعد بجنود حکمت و بیان و نصیحت و عرفان کل بحبل متین صبر و ذیل منیر اصطبار تمسک جستند و تثبیت نمودند بشانیکه آنچه بر این حزب مظلوم وارد شد تحمل کردند و بحق گذاشتند مع آنکه در مازندران و رشت جمع کثیری را بدترین عذاب معذب نمودند از جمله حضرت حاجی نصیر که فی الحقیقه نوری بود مشرق از افق سماء تسلیم بعد از شهادت چشم او را کردند و دماغش را بریدند و ظلم به مقامی رسید که اهل ممالک خارجه گریستند و نوحه نمودند و در باطن از برای عیال و صغار بعضی در اطراف ممالک اعنه نمودند " یا شیخ قلم حیا میکند از ذکر آنچه واقع شده " و در ارض صداد نار ظلم مشتعل بشانیکه هر منصفی نوحه نمود لعمرک از مدائن علم و معرفت نجیب بکاء مرتفع بقسمی که ایجاد اهل بر و تقوی محترق نورین نیرین حسنین در آن ارض رایگان جان فدا نمودند دولت و ثروت ایشانرا منع نمود الله یعلم ما ورد علیهما و القوم اکثر هم لا یعلمون و قبل از ایشان جناب کاظم و من معه و در آخر حضرت اشرف کل شربت شهادت را بکمال شوق و اشتیاق نوشیدند و برفیق اعلی شتافتند و هم چنین در عهد سردار عزیز خان جناب عارف بالله میرزا مصطفی و من معه را اخذ نمودند و برفیق اعلی و افق ابهی فرستادند در هر بلدی آثار ظلم ظاهر و مشهود ظلمی که شبه و مثل نداشته معذک نفسی بر دفاع قیام نمود در حضرت بدیع که حامل لوح حضرت سلطان بوده تفکر نما که چگونه جان داد آن فارس مضمار انقطاع اکلیل ثمین حیات را نثار دوست یگنا نمود یا شیخ اگر این امور انکار شود کدام امر لایق اقرار است بین لوجه الله و لا تکن من الصامتین حضرت نجف علی را اخذ نمودند و با کمال جذب و شوق قصد مقام شهادت نمود و باین کلمه ناطق " ما بها و خونبها را یافتیم " این بگفت و جان داد در اشراق و تجلی نیر انقطاع که از شطر اعلای قلب ملا علیجان اشراق نمود نظر نمائید نفحات کلمه علیا و اقتدار قلم اعلی بشانی جذبش کرد که میدان شهادت و ایوان عشرت نزدش یکسان بل الاولی اولی " در جناب ابابصیر و سید اشرف زنجانی تفکر نمائید ام اشرف را حاضر نمودند که انبش را نصیحت نماید ترغیب نمود الی ان فاز بالشهادة الکبری . "

یا شیخ این حزب از خلیج اسماء گذشته‌اند و بر شاطی بحر انقطاع خرگاه بر افراشته‌اند ایشان صد هزار جان رایگان نثار



ORIGINAL

نمایند و بما اراده الاعداء تکلم نمایند و بارادة الله متمسکند و از ما عند القوم فارغ و آزاد سر دادند و کلمه نالایقه نگفتند  
تفکر نمائید گویا از بحر انقطاع نوشیده‌اند و زندگانی دنیا ایشان را از شهادت در سبیل الهی منع نمود در مازندران جمع  
کثیری از عباد الله را تمام نمودند حاکم بمفتريات جمعی را تاراج کرد از جمله ذکر نمود حضرات اسلحه جمع کرده‌اند و بعد  
از تفحص ملاحظه شد یک لوله تفنگ من غیر اسباب بود سبحان الله این حزب به سلاح محتاج نه چه که کمر همت  
لاجل اصلاح عالم بسته‌اند جندشان اعمال طیبه سلاحشان اخلاق مرضیه و سردارشان تقوی الله طوبی لمن انصف .....  
انتهی .